

وقوع علوم انسانی اسلامی؛ پیشینه، راهکارها و مصادیق

علی اکبر رشاد*

آیت‌الله علی اکبر رشاد، رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در هم‌اندیشی «وقوع علوم انسانی اسلامی» با بیان اینکه مسئله علوم انسانی اسلامی یک کلان‌مسئله بوده و مطلبی نیست که بتوان در قالب یک نشست و سخنرانی جهات گوناگون و ابعاد گوناگونی را که این مسئله دارد، بررسی کرد، افزود: به‌عنوان کسی که دغدغه ده‌ها ساله‌اش این مسئله بود است و در جریان آنچه روند این عرصه بوده قرار دارد و در متن صحنه بوده و به‌نحوی دست‌اندرکار این امر پُراهمیت است، موضوع را بیان می‌کنم. من با توضیح اجمالی انواع تحولاتی که در حوزه علوم انسانی رخ داده و در حال وقوع است و حتی احیاناً بر اساس روندی که نسبت به آینده این جریان وجود دارد، نکاتی را خواهم گفت. آنچه رخ داده، بخشی‌طور و توسعه‌ای است که در علوم موجود به وقوع پیوسته است. ما علوم انسانی را در این بحث، وسیع تلقی می‌کنیم؛ یعنی شامل هر آن چیزی باشد که تدبیر شئون انسان را صورت می‌دهد و سامان می‌بخشد؛ در نتیجه آنچه بر سبک زندگی انسان تأثیر می‌گذارد و مواجهه انسان را با شئون و مسائل گوناگون در مقام نظر و عمل و ذهن و زندگی تمشیت می‌کند، آنچه انسان در جهات گوناگون برای دوام و پی‌گرفت زیسته آن نیازمند است،

* استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (rashad@iict.ac.ir).

به صورت امور نرم‌افزاری تدبیر حیات در حوزه فرهنگ و سبک زندگی و مناسبات بین آحاد و جوامع که در این جلسه فی‌الجمله آنها را علوم انسانی تلقی می‌کنیم.

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ادامه داد: چند اتفاق در حال جریان است، یکی تطور و توسعه علوم موجود است. اگر بپذیریم که بشر عمر درازی به بلندی وجود این موجود یعنی انسان دارد و بپذیریم که به هر حال انسان برای تمشیت شئون‌اش از مجموعه‌ای از عناصر نرم‌افزار حیاتی استفاده می‌کند و مناسبات و رفتارش را تنظیم و عواطف و احساسات‌اش را تدبیر می‌کند، در این صورت نمی‌توانیم بگوییم که علوم انسانی به معنای وسیع یک امر نوظهور است. البته قبول داریم که در یک تلقی سن علوم انسانی موجود و علوم انسانی مسلط طولانی نیست و شاید به افزون بر دویست سال نرسد؛ هرچند بسیاری تصور می‌کنند که علوم انسانی موجود احیاناً با «کانت» شروع شده است.

وی گفت: ما می‌دانیم که اگر تنظیم و صورت‌بندی در این یک تا دو قرن اخیر متحول شد، اما مباحث، آرا و حتی علم‌ها و دانشگاهی نیز در گذشته حیات بشر بوده است؛ چراکه بدون علوم انسانی اصولاً تدبیر و تمشیت زندگی ممکن نیست. این بشر هزاران سال زندگی کرده و مگر می‌شود بدون علوم انسانی زیسته باشد؛ بنابراین برای علوم انسانی می‌توانیم ادواری را قائل باشیم و اکنون در دوره‌ای از آن زیست می‌کنیم و نمی‌توانیم بگوییم علم جدیدی است که پیدا شده و نبوده است. در این میان قطعاً مسلمانان جزء پیشگامان تولید این دسته از علوم بودند و بی‌شک ایران از کانون‌های تولید این علوم بوده است و در طول تاریخ دانش‌های بسیاری را اگر از دیگر ملل وام گرفته، متحول ساخته، دانش‌هایی را خودش تأسیس کرده است؛ برای مثال در حوزه ادبیات، ایران مؤسس بوده است؛ حتی ادبیات عرب و عمده علوم ادبی مشرف بر زبان عربی توسط ایرانیان بنا نهاده شده یا تکامل یافته و تکمیل شده است؛ در دو تا سه دهه اخیر از جمله با رویکرد دینی و باتوجه به پیش‌فرض‌ها و احیاناً روش‌شناسی‌های بومی و اسلامی صورت بسته و در نتیجه

یک اتفاق که کمترین تغییر و تحول را می‌شود به آن نسبت داد و حداقل تغییر قلمداد کرد، این است که تطور و توسعه در برخی علوم موجود رخ داده است.

آیت‌الله رشاد افزود: اتفاق دیگری که در این دو تا سه دهه رقم خورد، تکثر موجود است؛ یعنی از علم‌هایی که داشتیم، این علوم تفکیک و تجزیه به علوم متعدد شدند؛ حال اگر آن محور اول را فرض کنیم که فلسفه و الهیات را در زمره علوم انسانی بمعنی الأعم تلقی کنیم، کسی نمی‌تواند انکار کند که ایرانیان در گذشته و طی هزار سال اخیر و همچنین در دو تا سه دهه اخیر تحولاتی را در آن ایجاد کردند تحول در مسائل، تحول در روش‌شناسی و تحول حتی در کالبد و بر اساس گزاره‌های فلسفی پاسخ مسئله داده و تحول را منجر شدند.

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی گفت: اما در مورد تکثر علوم برای مثال تجزیه شدن فلسفه را داشتیم و ما با پدیده جدیدی مواجهیم که در این دو تا سه دهه اخیر دارد در ایران رقم می‌خورد و عبارت است از اینکه تمدن حکمت اسلامی در دو گروه دانش‌های گسترده تحت عنوان فلسفه مضاف، دانش فلسفه‌های مضاف به «علوم» و دانش فلسفه‌های مضاف به «امور» که این اتفاق در حوزه حکمت در مقیاس چند دهه دانش در حال شکل‌گیری و تکون است که بعداً اشاره می‌کنم، در مقام عمل در حوزه برخی از این دانش‌ها از فلسفه جدا می‌شود و فلسفه دارد تجزیه به چند دهه دانش می‌شود و ما در برخی از آنها آثار فاخر ارزشمند به لحاظ کمی و کیفی قابل توجه و درخور اعتنایی را اکنون در دسترس داریم.

وی تصریح کرد: تنها در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی فقط در حدود ۷۰ فلسفه مضاف به علوم و امور کار شده است. از اقل تولید که در قالب چند مقاله باشد، تا گاه در برخی از این عناوین در قالب چندین مجلد تولید آثار شده است و من در مقدمه کتاب «فلسفه مضاف» فهرست عنوان‌های آثاری که در فلسفه مضاف فقط در پژوهشگاه از سوی

همکاران تألیف و منتشر شده را ارائه کرده‌ام که حدوداً چیزی حدود صد عنوان می‌شود، درحالی‌که بعد از آن هم تعدادی اثر منتشر شد. البته نهادهای موازی دیگری نیز داریم که آنها هم فعالیت در این گستره دارند و شمار آثار آنها نیز قابل توجه است. این اتفاق صرفاً در حدّ تجربه و تکفیک نیست، بلکه پیدایش یک جهان‌اندیشگی و به تعبیر غربی، یک پارادایم در حوزه فلسفه‌های مضاف است که در این قالب ظهور می‌یابد.

وی ادامه داد: در این عرصه در برخی از فلسفه‌های مضاف، رویکرد و سمت‌گیری و تحول معرفتی و احیاناً روشگانی در فلسفه‌های مضافی که در دنیا و احیاناً در دنیای غرب وجود داشته و در آن زمینه‌ها با رویکرد دینی و مبانی اسلامی فلسفه تولید کرده‌ایم و در برخی موارد فلسفه‌ای تولید کرده‌ایم که در دنیا نبوده است، فلسفه دین در دنیا بوده است و قریب بر دویست سال سابقه دارد و دانش‌هایی را در حوزه فلسفه مضاف تولید کرده‌ایم که معطوف به دانش‌های بومی ماست؛ مثل فلسفه اصول، فلسفه فقه که در دنیا پیشینه ندارد و برای مثال طی همین کمتر از سه دهه اخیر مطرح شده است. در پژوهشگاه آثار ارزشمندی در این عرصه ارائه شده و غیر از پژوهشگاه نیز برخی اساتید در مقیاس حدود سی جلد آثاری را با محور فلسفه اصول کار کردند و به تدریج منتشر می‌کنند.

آیت‌الله رشاد افزود: همچنین در حوزه الهیات و کلام جدید شیعی، در حوزه مطالعات دین خصوصاً فلسفه دین، کارهای بسیاری انجام شده است. فلسفه دین در نگاه فلسفه مضاف است، اما در قالب دانش و به‌عنوان دانش فلسفه دین در ایران و جهان اسلام سابقه‌ای نداریم و در قالب مسائل فلسفه دین، مباحثی که ارائه شده، کم نبوده است، اما تبدیل شدن آن به دانش و مجموعه مختصاتی که اشاره خواهیم داشت و با این تفاوت‌ها فلسفه دین در ایران تولید شده و دیگران و برخی چهرهای برجسته جهانی به آن اذعان دارند مثل ابوزید که در حوزه فلسفه دین جزء شخصیت‌هایی برجسته دهه‌های اخیر قلمداد می‌شد، او صریحاً اذعان دارد که امروز ایران در میان همه کشورها در این عرصه پیشرو

است و انباشت علوم، مباحث و معارفی که در ایران تولید می‌شود، در هیچ کشوری دیگر این اتفاق رقم نخورده است. این سخنان از سوی کسی است که با ما چندان هم مشرب نبوده است. همچنین در حوزه کلام شیعی نیز با تحول مواجه‌ایم؛ گرچه تحول در این عرصه پیش از انقلاب و با شهید مطهری آغاز شد. با انتشار دفترهای جهان‌بینی ایشان، کلام جدید شیعی تأسیس شد. با انتشار کتاب «عدل الهی»، این جهان‌بینی آغاز شد که دوره جدیدی از کلام شیعی قلمداد می‌شود.

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی افزود: از سوی دیگر در حوزه دانش‌های دیگر شیعی اتفاقات دیگری رقم می‌خورد؛ یعنی فقه از یک دانش انگاشته‌شدن دارد فراتر می‌رود و دارد به چندین دانش تبدیل می‌شود؛ بنابراین علم فقه در حال تفکیک و تجزیه به دانش‌های گوناگون است، کما اینکه همین اتفاق در علم اصول به تدریج در حال رقم خوردن است. به هر حال در فرآیند تکثیر دانش‌ها این یک تجربه بشری است و ما علم‌های بسیاری داشتیم که زمانی یک علم بودند و بعد تجزیه به ده‌ها علم شدند. این تجربه را در طب داریم؛ برای مثال امروز دیگر نمی‌گوییم علم پزشکی، بلکه می‌گوییم علوم پزشکی یا دیگر نمی‌گوییم علم اجتماعی، بلکه می‌گوییم علوم اجتماعی یا نمی‌گوییم علم سیاست، بلکه مصطلح شده و می‌گوییم علوم سیاسی و این یعنی تولید تازه و کارهای تأسیس در حال رخ دادن است. چطور طب را به علوم پزشکی تبدیل کردیم، حکمت عملی را به علوم انسانی تبدیل کردیم. حکمت عملی دارای سه شاخه است؛ در نتیجه این تکثیر در دانش‌های بومی در حال رقم خوردن است که به معنای تولید تازه، توسعه و تأسیس است؛ برای مثال زمانی شاید دانش مستقلی به عنوان علم صرف و دانش مستقلی تحت این عنوان نداشتیم و همه آنها ذیل دانش ادب تلقی می‌شدند، اما رفته‌رفته جداگانه قلمداد شدند. نظریات گوناگونی مطرح شد که دست‌کم شامل دوازده مورد است؛ بنابراین ما نظریه تناسب مؤلفه‌های رکنی را مطرح کردیم و طی آن معتقدیم هر علمی دارای پنج مؤلفه رکنی

است: مؤلفه مبادی و پیش‌انگاشته‌ها، مؤلفه مبانی، مؤلفه موضوع و مسائل، مؤلفه منطقی و روش‌شناسی و مؤلفه دستاورد و کارکردها. هر علمی این کارکردها و قواعد را دارد. این که هر علمی چگونه سامان می‌گیرد و وحدت در درون آن شکل می‌گیرد و به یک دستگاه معرفتی تبدیل می‌شود، علت‌اش چیست؟ نظرات گوناگونی مطرح شده است. برخی می‌گویند با شکل‌گیری وحدت درونی علم است که تفاوت با سایر علوم ایجاد می‌شود. به همین ترتیب است که انباشتی از گزاره‌ها و قضایا پدید می‌آید و با استقلال علوم پدید می‌آید. با این دیدگاه باید بگوییم در حوزه علوم انسانی اسلامی در شاخه‌های گوناگون، هم به لحاظ مبانی و هم به لحاظ موضوع و مسائل و هم به لحاظ غایت و دستاوردها، منجر به شکل‌گیری اتفاقاتی می‌شود.

آیت‌الله رشاد ادامه داد: همان‌طور که عرض کردم ما در حوزه تولید فلسفه‌های مضاف، در پژوهشگاه فعالیت‌های گوناگونی داشته‌ایم و البته نهادهای دیگر و سایر اساتید در این عرصه کارهای بزرگی انجام داده‌اند و نظریات و بحث‌های جدیدی ارائه شده است؛ برای مثال هم ناظر بر علم سیاست، هم امر سیاست، نظرات و مباحث جدیدی تولید شده است. از لحاظ هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی و در برخی علوم دیگر به لحاظ انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی آرای جدید ناشی از تعالیم الهی پدید آمده و گاهی صورت‌بندی شده است و در قالب یک دانش، مرکز دستگاه‌وار شکل گرفته است که کاملاً متفاوت با آن مبانی است و علم سکولار از آنها سرچشمه گرفته است؛ بنابراین به لحاظ مبانی اتفاقات جدیدی اکنون می‌افتد که علم انسانی نوظهوری را در ایران و احیاناً برخی کشورها شکل داده که متفاوت از علوم انسانی رایج است.

وی گفت: در حوزه موضوع نیز این رویه جریان دارد و هستی‌شناسی اسلامی با هستی‌شناسی غیراسلامی و سکولار کاملاً متفاوت است. ما در حوزه هستی‌شناسی توحیدمحور هستیم، هستی حقیقی را خدا می‌دانیم، او را مبدأ هستی می‌دانیم و هستی

سایر موجودات را وام‌دار حق تعالی می‌دانیم. بسیاری از احکام هستی‌شناسانه که در فلسفه ما به تفصیل بحث شده در فلسفه اسلامی بسیار غنی‌تر است، به اعتبار اینکه هستی‌شناسی را الهیات قلمداد می‌کنیم؛ حکمای ما نسبت به این موضوع دغدغه داشتند و رویکرد متناسب با مبانی دینی داشتند. در هستی‌شناسی و موضوع متفاوت هستیم. علوم انسانی موضوع‌اش انسان است و از فلسفه و دانش انسان‌شناسی که متمرکز با کلیات باید باشد تا مواجهه انسان با امور و شئون را تعیین می‌کند؛ مثلاً انسان با دیگران چگونه مواجه شود که دانش جامعه‌شناسی را ایجاد می‌کند. مواجهه با این موضوعات با توجه به تفاوتی که ما در انسان‌شناسی و شاخه‌های آن با دیگران داریم، طبعاً موضوعات علوم انسانی مورد علاقه و التزام ما را با سایر تلقی‌ها و باورها متفاوت می‌کند.

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تصریح کرد: انسانی که ما موضوع علوم انسانی قلمداد می‌کنیم، انسان الهی است و بناست که خلیفة‌الله شود. این انسان حیوان برتر نیست، بلکه برتر از حیوان است. انسان بالمعنا الکلمه است و برتر از حیوان می‌باشد و بلکه تنها ناطق نیست؛ بنابراین با توجه به انسان‌شناسی که ما داریم، طبیعتاً موضوعات علوم انسانی مورد علاقه و اعتقاد ما با سایر تلقی‌ها و باورها متفاوت است. البته صرف اینکه گفتیم انسان خلیفة‌الهی است، تمام نیست، بلکه این خلیفة‌الهی بودن هزاران ثمرات دارد و همان‌طور که گفتیم، انسان بدین معنا نیست که او صرفاً حیوان برتر باشد که در فرآیند تکامل به موجود فعلی تبدیل شده باشد و هم‌غم و او شکم و شهوت و طبیعت‌اش باشد. در انسان‌شناسی اسلامی گرانگه فطرت است. وقتی موضوع علم انسانی را چنین تلقی کنیم، معلوم است که همه چیز تفاوت پیدا می‌کند. البته مسائل مشترک میان علم انسانی غیراسلامی و حتی الحادی وجود دارد؛ مانند مسئله تورم، منتهی هر یک راه حل خود را ارائه می‌کنند و طبعاً فهم از ماهیت انسان و مسئله اقتصاد و معیشت در راه حلی که ارائه می‌شود، مشهود می‌شود و راه حلی که علم انسانی اسلامی در مسئله تورم ارائه می‌کند، با

راه حلی که علم انسانی سکولار ارائه می‌کند، متفاوت خواهد بود.

وی ادامه داد: در علم مدرن و از جمله در علم انسانی غالباً مبتلا به تجزیه هستیم. این یعنی به موضوع علم از زاویه محدود می‌نگریم؛ چه در آرا و نظریات و فرضیاتی که در ارائه مسائل داریم و چه در منابع. عمدتاً در مقام ادعا متکی به تجربه در علوم جدید هستیم و در علوم انسانی نیز عملاً تجربه محور عمل می‌شود، اما در علوم انسانی اسلامی قهراً منابع متعدد پیدا شده و عقل میدان وسیع‌تری پیدا می‌کند و وحی وارد روند تولید معرفت می‌شود. از سوی دیگر گزاره‌های مربوط به علوم از جمله علوم انسانی در لسان وحی فراوانی دارد و در نتیجه وارد علم می‌شود؛ بنابراین وقتی در روش منابع متفاوت شد، روش هم متفاوت می‌شود و احیاناً کاربرست هریک از این منابع، منبع وحی، شهود، تجربه - البته اگر تجربه را منبع قلمداد کنیم که هر چند منبع نیست، بلکه شیوه سنجش است - اما در هر حال همه روش‌های بهره‌برداری متفاوتی دارد و از همه آنها دستگاه علوم انسانی اسلامی را می‌توانیم به دست بیاوریم؛ بنابراین روش علوم انسانی اسلامی با سایر مکاتب و گفتمان‌ها متفاوت است؛ چه اینکه در غایت نیز این‌گونه است. علوم انسانی اسلامی می‌خواهد انسان را به کمال الهی برساند. غایت انسان شکم و شهوت و شهرت نیست، به تعبیر عامیانه غایات علوم انسانی اسلامی با غایات علوم انسانی رایج زمین تا آسمان تفاوت دارد؛ چراکه انسان در علوم انسانی اسلامی در زمین متوقف نیست، بلکه آسمانی است. البته باید اذعان کنیم دانش‌های اسلامی که در برخی حوزه‌ها شکل می‌گیرد، نوپا هستند و پیشینه تاریخی ندارند و شاید علوم انسانی جدید و عمدتاً غربی که دو‌یست سال پیشینه دارد، متفکران بسیاری روی آن کار کرده باشند و نظر ارائه داده باشند و طبیعی است که به لحاظ ادبیات وسیع‌تر باشد، اما علوم انسانی اسلامی در شرف تحقق است و شاید در برخی جهات بدان حد نرسیده باشد، ولی حسب مورد پیشرفت بسیاری داشته‌ایم.

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی گفت: امروزه صدها و بلکه باید جرئت

کنیم و بگوییم هزاران عنوان اثر در علوم انسانی اسلامی از ناحیه نهادهای فعال که البته عددشان زیاد نیست، منتشر شده است و بزرگانی چون آیت‌الله جوادی آملی، آثار فاخری را خلق کردند و اگر به این فهرست رساله‌هایی را که در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها در حوزه علوم انسانی اسلامی نوشته شده است، اضافه کنیم، رقم بسیار بالای خواهد شد. همچنین مجلات متعددی که در این عرصه منتشر شده و قابل توجه است. مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه کشور کاری انجام داد و نمونه‌ای از آثار چند دستگاه معدود را در این حوزه در قالب نمایشگاهی برپا کرد که اکنون در شهر مقدس قم (جنب مدرسه فیضیه) قابل بازدید است. در تهران نیز نمایشگاهی از آثار در مدرسه مروی ارائه شد و آثاری ارزشمند ارائه شد که جای تأمل دارد، اما مسئله‌ای که نباید از ذهن دور نگاه داشت اینکه انقلاب اسلامی روند علوم انسانی اسلامی را تسریع بخشید و پیش از انقلاب در برخی کشورها مانند مصر، مالزی و اندونزی این دغدغه بود و کارهایی هم انجام شد. برخی کشورهای غیراسلامی نیز دروس اسلامی ارائه می‌کنند؛ برای مثال برخی دانشگاه‌ها در لندن در رشته اقتصاد اسلامی دکترا می‌دهند. کسانی که کعبه‌شان غرب و احیاناً انگلستان است، ببینند که همین کشور در حدّ دکترا در عرصه اقتصاد اسلامی کار کرده است، اما اینجا برخی در ایران برای مقطع کارشناسی ارشد می‌گفتند اقتصاد اسلامی بینارشته‌ای است، درحالی‌که علاوه بر آنچه اشاره شد، امروز در سطح دنیا بانکداری اسلامی در برخی کشورها اعمال می‌شود. متأسفانه امروز در جهت حمایت از علوم انسانی اسلامی اقدامات چندانی شاهد نیستیم و بودجه و هزینه‌ای برای این مسئله اختصاص داده نشده است.